



وطن من ایران است

زهرابهرامی، بازیگر افغانستانی فیلم «باران» مجید مجیدی از شرایط در کشور می گوید



سید محمدرضا هاشمی

وقتی سال ۱۳۷۹ فیلم سینمایی «باران» به کارگردانی «مجید مجیدی» اکران شد، اخبار مهاجران افغانستانی ساکن ایران بیشتر در صفحه حوادث روزنامه‌ها دیده می‌شد. در واقع باران فرصتی بود تا بخشی از رنج آن‌ها در قالب فیلم به مخاطبان نشان داده شود. بازی خوب «زهرابهرامی»، بازیگر نقش باران در این فیلم، و کارگردانی خوب مجید مجیدی باعث شد که این فیلم سینمایی در آن سال‌ها موفق به دریافت جوایز داخلی و خارجی زیادی شود و از همه مهم‌تر زندگی مهاجران افغانستانی در ایران مورد توجه قرار گیرد. حالا بعد ۲۰ سال زهرابهرامی در گفت‌وگو با شهرآرانیوز از خاطرات آن روزها می‌گوید، از اینکه مجید مجیدی برای یافتن بازیگر نقش باران از امام‌رضا (ع) کمک خواسته بود.

● وطن من جایی است که در آن بزرگ شده‌ام

زهرابهرامی در آبان‌ماه سال ۱۳۶۴ در مشهد به دنیا آمده است. او کارشناسی روابط عمومی دارد و از سال ۱۳۸۰ در «آدیو دری» در بخش برون‌مرزی صداوسیما مرکز استان خراسان‌رضوی مشغول به کار شده است. او با اشاره به اینکه پدرش ۴۲ سال پیش به ایران آمده‌است می‌گوید: من خیلی افغانستان را دوست دارم، اما وطن من جایی است که در آن بزرگ شده‌ام، به آن عادت دارم، کوچه‌هایش را می‌شناسم و در آن‌ها خاطره دارم. وقتی من از افغانستان هیچ شناختی ندارم و این کشور برای من فقط یک اسم است، چگونه می‌توانم ادعا کنم که عاشقانه آنجا را دوست دارم؟ من در ایران و با همین آدم‌ها بزرگ شده‌ام.

بازیگر نقش باران درباره تجربه‌های سخت زندگی در دوران کودکی خود نیز یادآور می‌شود: من به شنیدن متلک درباره افغانستان بودنم عادت داشتم، چون زیاد شنیده بودم، خیلی حساس شدم. شاید شما به شنیدن کلمه ایرانی حساس نباشید، اما جایی که نباید، ما را افغانی صدا می‌کردند. من از بچگی با این موضوع بزرگ شده‌ام، همیشه دغدغه این را داشتم که نفهمند من افغانستانی هستم.

● آشنایی با مجید مجیدی

بهرامی درباره چگونگی حضور در فیلم مجید مجیدی توضیح می‌دهد: سوم راهنمایی بودم، آن زمان همه خبرهای مهم را از بلندگوی مسجد می‌شنیدیم، نزدیک ظهر بود، می‌خواستم به مدرسه بروم که از بلندگو صدا کردند که دختر بچه‌های ۱۲ تا ۱۴ ساله به کانون فرهنگی بیایند. من معمولا در کارهای فرهنگی پیشگام بودم، یک چادر گل‌گلی سرم کردم و به کانون رفتم. همین‌طور که به در کانون نزدیک می‌شدم، دیدم که یک آقای (مجید مجیدی) دم در ایستاده بود. من نمی‌دانستم برای چه کاری به کانون می‌روم، اما همین که آقای مجیدی را دیدم با خودم گفتم چه آدم باکلاسی است، وقتی از کنارش رد شدم، بوی ادکلنش توجهم را جلب کرد. بعدها که پشت صحنه فیلم باران را دیدم، آقای مجیدی گفتند: من وقتی این دختر را دیدم، به بچه‌ها گفتم این دختر را برای من نگهدارید. من تمام اردوگاه‌های ایران را گشتم و نامید شده بودم. قبل از اینکه به اردوگاه بروم، به حرم امام‌رضا (ع) رفتم و به ایشان گفتم خودت این شخصیت فیلمم را سر راه من قرار بده. او خاطرنشان می‌کند: از بچ بچه‌ها فهمیدم که آمده‌اند بازیگر انتخاب کنند. بچه‌ها یکی یکی کم می‌شدند و من دعا می‌کردم که حذف نشوم. در نهایت من و دوستم مانده بودیم. از ما ۲ نفر تست گرفتند. من به آقای مجیدی گفتم مدرسه من دیر می‌شود و گفتند برو. زنگ اول بود که در کلاس زده شد، من را صدا کردند و به دفتر بردند. دیدم آقای مجیدی و عوامل فیلم نشسته‌اند، با لباس‌های محلی از من تست گرفتند. خیلی امیدوار شدم و به آقای مجیدی گفتم اگر قبول هم نشدم من به من خبر دهید. تا اینکه یک هفته گذشت اما از آقای مجیدی خبری نشد و من با پدرم برای معاینه چشمم از تربت جام(شهر محل سکونت) به مشهد رفتم. همان روز از بلندگوی مسجد خانواده ما را صدا کرده بودند، مادر من به دفتر می‌رود و نشانی خانه خاله‌ام را در مشهد به آن‌ها می‌دهد. در خانه خاله‌ام نشسته بودم که زنگ در زده شد و وقتی در را باز کردم، دیدم آقای مجیدی پشت در است. همان روز من را به دکتر چشم بردند، برایم عینک گرفتند و ۲ روز بعد من و پدرم با هواپیما به تهران بردند.

● خاطره‌ای از جشنواره فیلم فجر

بهرامی نظارش درباره مجیدی را نیز این‌گونه بیان می‌کند: آقای مجیدی انسان بزرگی است. آشنایی با او و بازی در فیلم «باران»، اتفاق بزرگی نه‌تنها برای من، بلکه برای خانواده‌ام بود. آقای مجیدی در تهران یک خانه با وسایل برای من و خانواده‌ام گرفتند، ما با قطار به تهران رفتیم و کار ساخت فیلم باران آغاز شد. در طول پروژه من هرچیزی که خواستم برایم فراهم بود. یک روز آقای مجیدی آمدند خانه ما به خواهر و برادرانم گفتند که با زهرادعوا نکنید، این باعث شد که خواهرانم به من حسودی کنند.

او همچنین خاطره‌ای از حضورش در جشنواره فیلم فجر را یادآوری می‌کند: همان سال که فیلم باران در جشنواره فجر اکران شد، واکنش کارگردان‌های معروف سینما و بازیگران برای من خیلی جالب بود. بعضی‌هایشان دنبالم گشته بودند تا من را ببینند. هیچ‌وقت من یادم نمی‌رود که «پارسا پیروزر» نشسته بود، من رفتم به آقای پیروزر گفتم با من عکس می‌گیرد و او با من عکس گرفت. بعد دیدم آقای مجیدی ناراحت شدند، من از ناراحتی ایشان متوجه شدم که نباید این کار را می‌کردم.

برای مطالعه متن کامل این گفت‌وگو اسکن کنید



«شنای پروانه» همچنان

اکران می‌شود



اکران فیلم سینمایی «شنای پروانه» از همان ابتدا با حواشی بسیاری همراه بود با این حال این فیلم با شرایط ویژه‌ای به اکران رسید. اکران ادامه داشت تا اینکه رسول صدرعاملی، تهیه‌کننده فیلم «شنای پروانه» به‌صورت ناگهانی خبر توقف اکران این فیلم از ۲۵ تیر را رسانه‌ای کرد و گفت که با هماهنگی شورای صنفی نمایش این تصمیم را گرفته است. حال آنکه چندی بعد مرتضی شایسته (دبیر شورای صنفی نمایش) اعلام کرد که تصمیم صدرعاملی با

هماهنگی شورای صنفی نبوده است. این تصمیم درحالی‌از سوی صدرعاملی رسانه‌ای شد که طبق نظام‌نامه اکران، تصمیم‌گیری درباره آغاز و پایان اکران یک فیلم در حیطه اختیارات شورای صنفی نمایش است. از این‌رو روز گذشته محمدرضا فرجی (مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی) درباره پروانه» و صحبت‌هایی که تهیه‌کننده این فیلم درباره اکران آن در تاریخ مشخص دیگری مطرح کرده بود، به ایلنا گفت: اکران فیلم دل‌خواهی نیست. اینکه آقای صدرعاملی،

همکاری در پخش تبلیغات خیابانی را داشته باشد اما متأسفانه هیچ‌کدام از این اتفاقات رخ نداد. از سوی دیگر پیش‌بینی آن‌ها از فروش نیز تحقق پیدا نکرد. عوامل این فیلم انتظار داشتند که «شنای پروانه» هم مانند برخی فیلم‌ها به فروش ۳۰ تا ۴۰ میلیارد برسد ولی این اتفاق رخ نداد. همه این موارد دست به دست هم داد تا تهیه‌کننده فیلم از ادامه اکران منصرف شود.

اما با رایزنی‌های صورت گرفته در نهایت فعلا سرمایه‌گذار پذیرفت تا اکران فیلم را ادامه دهد.

تهیه‌کننده فیلم «شنای پروانه» صحبت‌هایی را مطرح کرده است؛ بیشتر به دلیل شرایط کرونا و وضعیت ظرفیت پنجاه درصدی سالن‌های سینما بود که متأسفانه هیچ‌وقت به ۵۰ درصد هم نرسید. یعنی عملا هر سالن سینمایی در هر سانس بیش از ۲۰ تا ۳۰ درصد از ظرفیتش پر نمی‌شد. بنابراین تهیه‌کننده و پخش‌کننده این فیلم می‌دانستند که با چنین وضعیتی روبه‌رو هستند.

او خاطرنشان کرد: قرار بود تلویزیون نهایت همکاری در پخش تیزر و شهرداری نهایت

جاده‌دو طرفه به مقصد ناکجا

بررسی رفت و برگشت‌های هنرمندان بین بازیگری و خوانندگی

امروزه، نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان هم معرفی یک هنرمند مشهور به پسوند «خواننده و بازیگر» به‌امری رایج تبدیل شده و تعداد کسانی که هم‌زمان دستی بر آتش خوانندگی و بازیگری دارند، اصلا کم نیستند. در ایران نیز، خوانندگی و بازیگری دو شغل محبوب و رویایی برای جوانان است؛ در حالی که وسوسه این دو عرصه حتی هنرمندان شهیر و محبوب را هم راحت نگذاشته و باعث شده بارها خواننده‌ها در قالب بازیگر جلوی دوربین بروند، یا بازیگران به فکر آواز خواندن بیفتند. در این مطلب مروری داریم بر بازیگران و خواننده‌هایی که تجربه کار در فضای هنری غیر تخصصی خود را داشته‌اند و البته بیشترشان هم یا این فعالیت را صرفا به چشم یک جور تفنن می‌نگریستند و یا، با شکستی سنگین و اعتبار هنری صدمه دیده، به پیشه اصلی خود بازگشته‌اند.

محمد عنبرسوز

زندگی با سینما

صدای خوب کافی نیست



مهران مدیری

شاید بیراه نباشد اگر او را محبوب‌ترین و موفق‌ترین کم‌دین تلویزیونی ایران در تاریخ بدانیم؛ مردی موفّر که آثارش در حوزه طنز، با پرهیز از لو‌دی و رویکردهای جلف، به دل مخاطب می‌شنیند.مدیری امد در کنار بازیگری و کارگردانی، به موسیقی هم بسیار علاقه دارد و سال‌هاست که این گرایش هنری را دنبال می‌کند. او خوانندگی تیتراژ آثار نمایشی مختلفی از جمله فیلم سینمایی «هم‌نفس» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده، سریال «زغرانی» ساخته حامد محمدی و سریال‌های خودش از قبیل «یاغ مظفر»، «قهوه تلخ» و «شبه‌های بره» را در کارنامه دارد که مورد آخر به ترانه‌ای ماندگار تبدیل شد.مدیری که به پرگزاری کنسرت علاقه‌مند است و کنسرت‌هایش معمولا با استقبال چشمگیر مردم همراه می‌شود، یک آلبوم موسیقی را هم در کارنامه دارد که با همراهی فردین خلعتیری و مرحوم بابک بیات ساخته شده و نامش «روزی سادگی» است. نکته جالب کارنامه خوانندگی مهران مدیری به حضور او به عنوان خواننده در آلبومی از گروه دارکوب بازمی‌گردد که اتفاقا نام دیگر خواننده این آلبوم حامد بهداد است.



حامد بهداد

شاید خوانندگی در نگاه اول، چندان با شمایلی جدی و خاص حامد بهداد به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای سختگیر جور درنیاید؛ اما این بازیگر خراسانی هم تجربه خواندن را داشته و در مجموعه «دندون طلا» به کارگردانی داود میرباقری و فیلم‌های «نیمه شب اتفاق افتاد» اثر تینا پاکروان و «کسی از گربه‌های ایرانی خبر ندارد» ساخته بهمن قبادی (که اساسا موضوعش موسیقی بود)، به شکل جسته، گریخته، خوانندگی را تجربه کرده است. بهداد به موسیقی علاقه دارد و از همین روی، فعالیت‌هایی را هم به عنوان تهیه‌کننده موسیقی داشته است. همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین تجربه خوانندگی او به همکاری با گروه دارکوب به عنوان خواننده مهمان در یک آلبوم موسیقی بازمی‌گردد؛ آلبومی که برخلاف ارزش‌های هنری درخور ملاحظه‌اش، چنان‌که باید و شاید مورد استقبال قرار نگرفت و بهداد یک قطعه محلی را در آن اجرا کرده است.



محمدرضا هدایتی

محمدرضا هدایتی، بازیگر بی‌حاشیه و دوست‌داشتنی سینما و تلویزیون، که با ایفای نقش‌های کم‌دی در سریال‌های مهران مدیری و صداپیشگی شخصیت محبوب پسرعمه‌ا در مجموعه «کلاه‌قرمزی» نزد مخاطبان به یادآورده می‌شود، از دیگر بازیگرانی است که، به موازات بازیگری، همواره به خوانندگی هم علاقه‌مند بوده است. هدایتی صدای آرام و دلنشینی دارد، اما آثارش در موسیقی تا کنون آنچنان‌که باید مخاطب فراگیر پیدا نکرده است. او دو آلبوم موسیقی به نام‌های «ماه می‌خندد» و «پرگ و باد» را منتشر کرده است و نزدیک به بیست تک‌آهنگ نیز از او روانه بازار موسیقی شده است که می‌توان گفت این آثار از سطح کیفی نسبتا خوبی برخوردار هستند.



رضا عطاران

یکی از باهوش‌ترین هنرمندان تاریخ ایران است که تقریبا هر جارفته موفق بوده و طی حدودا سه دهه فعالیتش در عرصه‌های مختلف سینما و تلویزیون، همیشه در اوج قرار داشته و هنوز هم یکی از مهم‌ترین ستاره‌های سینماست؛ مردی که ناشی می‌تواند مخاطبان را به سینما بکشاند و حتی شایعات بازگشتش به تلویزیون، باعث می‌شود چشم مردم برق بزنند.

شاید برایتان جالب باشد که بداندین این هنرمند مشهوری عرصه سینما و تلویزیون، صدای خوشی هم دارد و نزدیک به ده بار خوانندگی را تجربه کرده. عطاران البته با همان خضوع و فروتنی همیشگی، هیچ‌وقت خودش را خواننده ندانسته و تقلایی برای انتشار آلبوم نکرده است. بااین حال، بیشتر قطعاتی که او (عمدتا برای تیتراژ آثار خودش) خوانده، ترانه‌هایی ابرومند و خوبی از کار درآمده‌اند. نکته عجیب خوانندگی عطاران این است که او یکی از معدود افرادی است که سه بار در تیتراژ سریال‌های تلویزیونی «ترش و شیرین»، «سه در چهار» و «متهم گریخت» قطعاتی را، در سبک و سیاق رپ، اجرا کرده است.



وسوسه

نمایش چهره



فرزاد فرزین

شاید بیراه نباشد اگر او را علاقه‌مندترین خواننده کشور به بازیگری معرفی کنیم. فرزاد فرزین که در اواخر دهه ۷۰ ی به عرصه موسیقی گذشت، تا کنون نزدیک به ده آلبوم رسمی و غیررسمی فردی و گروهی منتشر کرده و بیش از پنجاه تک آهنگ هم در کارنامه دارد. در سال‌های اخیر اما، فرزین بیش از آنکه به واسطه خواننده بودنش شناخته شود، با بازی در سریال‌های شبکه نمایش خانگی مورد توجه قرار گرفته است.فرزاد فرزین، به واسطه توانایی‌هایش در موسیقی، به سینما راه یافت که «سگ‌های پوشالی»، «پسران آجری» و «کنسرت روی آب» فیلم‌های سینمایی او هستند؛ آثاری که فرزین در آن‌ها عمدتا یا در نقش خودش بازی کرده و یا به واسطه توانایی در اجرای قطعات موسیقی، نقش‌های مرتبط برایش نوشته شده است. بازیگری فرزین اما، در مجموعه پرطرفدار «عاشقانه» جدی‌تر شد؛ جایی که او، در یک چالش عجیب، ایفای دو شخصیت در سریال را بر عهده گرفت که یکی از آن‌ها فرزاد فرزین واقعی و دیگری جوانی بی‌سروپا و سودجو بود که خودش را به جای خواننده محبوب جامی‌زند. او پس از «عاشقانه»، اعتمادبه‌نفس خوبی پیدا کرد و برای بازی بعدی خود، که‌های خوانندگی‌اش را کاملا به فراموشی سپرد تا در قالب نقش یک جوان جنوب‌شهری به نام بهرام در سریال «هانکن»، اثر حسین سهیلی‌زاده، حاضر نمی‌توان انکار کرد که کیفیت بازی فرزین از ابتدا تا به امروز، پیشرفت‌ی نداشته؛ اما باز هم او هنوز یک بازیگر خوب در حد سریال‌های خانگی و سینما به شمار نمی‌رود.



رضا یزدانی

یکی دیگر از خوانندگان علاقه‌مند به نمایش، هنرمند آرام و خوش‌فکری است که در حال پیمودن مسیری تازه برای ایجاد یک تحول جدی در موسیقی ایران بوده و می‌کوشد تا موسیقی راک را برای مخاطبان ایرانی جابیندازد. یزدانی اما، پس از حضورش در چندنقش سینمایی، در حالی که پله‌های ترقی و محبوبیت در موسیقی را با سرعت می‌پیمود، تحت‌تاثیر بازیگری قرار گرفت و به نوعی مسیرش را عوض کرد. یزدانی که بیش از ده آلبوم و نزدیک به سدی تک آهنگ را در کارنامه دارد و «سه‌گانه ساعث‌ها» با صدای او بین مردم حسابی گل کرده بود، پس از گرایش به بازیگری، جایگاه خود را تا حدی از دست رفته دید و این روزها کمتر آهنگ بر مخاطب و تاثیرگذار منتشر می‌کند. او بازیگری را با فیلم «حکم» مسعود کیمیایی آغاز کرد و با ایال‌ای نقش یک خواننده در فیلم «طهران – تهران» به کارگردانی مشترک داریوش مهرجویی و مهدی کریم‌پور، رسماً بازیگر شد. پس از آن، رضا یزدانی چندین تجربه بازیگری دیگر در سینما را هم از سر گذراند که در میان تمام آن‌ها، فقط بسازی او در فیلم «تیک‌آف» اثر احسان عبدی‌پور، یک اجرای تروتمیز و متناسب با استانداردهای بازیگری در سینمای ایران محسوب می‌شود. او در تلویزیون هم یک‌بار، در نقش خودش، سریال «عطیلات رویایی» را تجربه کرده و بار دیگر نیز، یکی از نقش‌های اصلی مجموعه «ژ پادها رفته» ساخته بهرام بهرامیان به او سپرده شد که ضعف‌های جدی سریال، باعث شد که این اثر در کارنامه یزدانی چندان موثر واقع نشود.



محمدرضا گلزار

آقای سوپرستار، یکی از موارد عجیب این فهرست است که قصه رفت و برگشتش از موسیقی به سینما و از سینما به خوانندگی، بارها نقل شده است. محمدرضا گلزار اولین بار در اواخر دهه ۷۰ با حضور در گروه محبوب آن زمان آرین، به عنوان گیتاریست، فعالیت هنری خود را آغاز کرد و از همان موقع با چهره جذابش مورد توجه واقع شد. طولی نکشید که گلزار با بازی در نقش اصلی فیلم «شام و نرگس» به کارگردانی مرحوم ابرح قاجاری، به سینما آمد و سپس ایفای نقش اول فیلم «شام آخر» اثر فریدون جیرانی هم به او سپرده شد. از آن زمان تا به امروز، گلزار در حدود سی فیلم سینمایی ایفای نقش کرده که بسیاری از مردم اجرایش در فیلم «بوتیک»، ساخته حمید نعمت‌ا... را بهترین بازی کارنامه او می‌دانند. محمدرضا گلزار از اوایل دهه ۹۰، دوباره به موسیقی تمایل شد و این بار در قامت خواننده به انتشار تک‌آهنگ‌هایی پرداخت که به واسطه شهرت و محبوبیتش، بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت؛ به طوری که کنسرت‌هایش با استقبال بسیار پرشور مردم روبه‌رو می‌شد. گلزار تا کنون بیش از بیست قطعه موسیقی منتشر کرده و همچنان در دو عرصه خوانندگی و بازیگری فعال است.